

A Comparative Study of Interpretive Methods of Ayatollah Khamenei and Contemporary Mufassirs from Both Schools in Deriving Rules and Principles of Quranic Governance from Surah As-Saff

Abdul Karim Bahjatpur *

Tambid Institute and Specialized Interpretation Center, Qom

Ehsan Arefi

A fourth-level student at Specialized Center of Tafsir Tambid in Qom (Student of Dars-e Kharej at Qom Seminary, holds BA in Educational Sciences from Imam Khomeini Educational and Research Institute)

Abstract

Mankind's individual and social prosperity is the ultimate goal of divine revelation and the Holy Quran. A Quranic Mufassir strives to present their understanding of the Quranic verses based on their intellectual needs, expertise, methodology, and unique approach to external events. His Eminence Ayatollah Khamenei is a Mufassir who has been able to derive specific issues and rulings aligned with the discourse of governance by emphasizing the social and political dimensions of the Quran. Governance, distinct from the concept of statesmanship, emphasizes the role of values and public groups in managing societal affairs. By comparing his interpretive method with other contemporary social Mufassirs, it becomes evident that: Ayatollah Khamenei demonstrates a distinctive focus on extending interpretation through contemplation (tadabbur) and its application to contemporary contexts. Although governance-related rulings have been somewhat addressed by other contemporary Mufassirs, his unique experience in governance and the conditions of the revolution set his approach apart. Through his interpretive method, he has guided others to derive several rules and principles of governance, including the duty of leaders to educate society, the necessity of combating falsehood, the recommendation to unite with the mujahideen, the need to prevent the degradation of believers resulting from neglect of divine rulings, the prohibition of harming divine leaders by believers, the necessity of accepting jihad, and other related matters. This research, based on its comparative nature, adopts a descriptive-analytical approach and relies on a library-based method of data collection.

Keywords: Governance, Surah As-Saff, Ayatollah Khamenei, Interpretive Method, Tafsir, Holy Quran.

* Email: abp114@yahoo.com (Corresponding Author)

بررسی تطبیقی روش تفسیری حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی قرآنی از سوره صف

| عبدالکریم بهجت‌پور*^۱

| احسان عارفی^۲

چکیده

سعادت فردی و اجتماعی انسان، آرمان وحی و قرآن است و مفسر قرآن، تلاش دارد در پی نیاز علمی، تخصص، منهج و رویکرد ویژه‌اش در قبال وقایع بیرونی، دریافت خود از آیات قرآن را ارائه کند. آیت‌الله خامنه‌ای مفسری است که توانسته با اهتمام به بُعد اجتماعی و سیاسی قرآن، قضایا و احکام خاصی را متناسب با ادبیات حکمرانی استنباط نماید. حکمرانی، متفاوت از مفهوم حکومت‌داری، بر نقش ارزش‌ها و گروه‌های عمومی در اداره امور جامعه تأکید دارد. با مقایسه روش تفسیری ایشان با دیگر مفسران اجتماعی معاصر، روشن شد که: ۱. ایشان توجه ممتازی به امتداد تفسیر به کمک تدبیر و تطبیق بر زمانه دارند و هرچند احکام حکمرانی کم‌وبیش مورد توجه مفسران معاصر بوده است؛ ولی ایشان به لحاظ تجربه حکمرانی و شرایط انقلاب، منحصر به فرد عمل کرده‌اند. ۲. ایشان با این روش تفسیری توانسته‌اند دیگران را به چندین قاعده و حکم حکمرانی رهنمون گردانند، از جمله: وظیفه رهبران برای تربیت جامعه، لزوم مبارزه با باطل، توصیه به هم‌پیوستگی به مجاهدان، لزوم جلوگیری از انحطاط مؤمنان حاصل از بی‌اعتنایی به احکام الهی، ممنوعیت آزار رهبران الهی توسط مؤمنان، ضرورت پذیرش جهاد و موارد دیگر. پژوهش حاضر، بنا بر ماهیت بررسی تطبیقی، توصیفی - تحلیلی است و براساس روش گردآوری، کتابخانه‌ای می‌باشد.

واژگان کلیدی: حکمرانی، قواعد و احکام حکمرانی، سوره صف، آیت‌الله خامنه‌ای، روش تفسیر، بررسی تطبیقی روش تفسیری.

۱. موسسه و مرکز تخصصی تفسیر تمهید قم

Email: abp114@yahoo.com

*

۲. دانش پژوه سطح چهار مؤسسه و مرکز تخصصی تفسیر تمهید قم، (طلبه درس خارج حوزه علمیه قم، کارشناسی علوم تربیتی مؤسسه امام خمینی ره)

Email: Ehsanir1364@gmail.com

۱. مقدمه

گنجینه و حیانی قرآن، مبشر رستگاری اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و تربیتی جامعه است. مفسران قرآن، تلاش دارند در پی نیاز علمی و تخصص و منهج خود و رویکرد ویژه خود در قبال وقایع بیرونی، دریافت خود از آیات قرآن را ارائه کنند. با توجه به تحولات متراکم سیاسی و اجتماعی متأخر در تاریخ زیست اجتماعی مسلمانان، تفسیر عصری و توجه به بُعد اجتماعی و سیاسی، آیات قرآن نیز با ورود مفسرانی چون محمد عبده در «المنار» و دیگرانی چون او جدی‌تر پیگیری شد و به تدریج، رشد کرد و تخصصی گشت و رنگ سیاسی بیش‌تری یافت. از این رو، مفسران به کشف مرادهای الهی در مسائل حکومت و دیدگاه قرآن درباره آن اهتمام ورزیدند.

پس از پیدایش و رواج واژه «حکمرانی» از دهه ۱۹۸۰، توجه اندیشمندان بیش از پیش به نقش آفرینان غیررسمی معطوف گشت و مفهوم «حکمرانی»، تمام فرایندهای اداره امور از سوی دولت، بازار و شبکه، خانواده، قبیله، سازمان‌های رسمی و غیررسمی، قوانین و هنجارها و حتی زبان را دربر گرفت. فرایند اداره امور در حکمرانی برخلاف روال حکومت رسمی، بیش‌تر نگاهی فرادولتی و فرای سلسله‌مراتب رسمی رایج دارد (عارفی، ۱۴۰۲: ۸۶-۸۷). بر پایه مطالعات گوناگون صورت‌گرفته، تعریف ذیل برای اصطلاح حکمرانی مناسب به نظر می‌رسد که آن عبارت است از: فرایند برنامه‌ریزی، اجرا، نظارت و کاربست بازخوردها با اعمال قدرت مستقیم یا اقتدار نرم در چارچوب ارزش‌ها و هنجارها که به شکل رسمی یا غیررسمی، توسط فرد یا جمعی از کنش‌گران و ذی‌نفعان، برای دستیابی به درجه‌ای از هدف تا راهبرد اجتماعی مورد نظر صورت می‌پذیرد. تا پیش از رواج تعاریف اصطلاحی برای واژه کهن «حکمرانی»، مفسران از حکومت‌داری و حاکمان و مسائل اجتماعی سخن گفته‌اند؛ اما در دوره جدید، نقش مردم در حکومت‌داری و نیز دیگر عناصر حکمرانی بیش از گذشته مورد توجه قرار گرفت.

به نظر می‌رسد گنجینه حکمرانی قرآنی و اسلامی، به‌ویژه با توجه به سیره معصومان با برخورداری از جامعیت و جاودانگی، هنوز سرمایه ناگشوده‌ای است که با ابعاد بسیار ناگشوده و با شاخ‌وبرگ متنوع‌تر و وسیع‌تر از حکمرانی مصطلح می‌تواند بسیار الهام‌بخش بنماید. در حکمرانی از نگاه قرآنی و اندیشه اسلامی، دین تعریف می‌کند که حکمرانی فرهنگی، اقتصادی و دیگر عرصه‌های حکمرانی چیست و چگونه خواهد بود. دین، محور، مُقسّم، تنظیم‌گر و معیار سنجش برای آن‌ها می‌باشد و خرده‌سیستم‌ها و موضوعات آن‌ها چون آزادی، سیاست، عدالت و مشارکت و مشروعیت و مانند آن را تعریف کرده، جایگاه‌شان را در نظام حکمرانی مشخص می‌نماید. دیگر آنکه دین، برخلاف نگاه بی‌تفاوت حکمرانی مصطلح در قبال چگونگی ارزش‌ها، به تولید و ساخت

ارزش‌های عمومی و مراقبت و درونی‌سازی آن‌ها در بستر اجتماع، اهتمام خاصی نشان می‌دهد. از این رو، باید نگاه توحیدی امتداد یافته و سایر ارزش‌ها، تجزیه و تحلیل، بازتعریف و بازبررسی شوند؛ برخی تصفیه گردند و ارزش‌های بسیاری، جهت تعالی حکمرانی افزوده شوند. در راستای این نگرش، حرکت به سمت شایسته‌گزینی، تقویت متقیان و تضعیف منافقان صورت می‌گیرد و اهمیت دارد که مدیریت حکمرانی به دست شایسته‌ترین افراد سپرده شود (عارفی، ۱۴۰۲: ۸۶-۸۷). هم‌زمان با دوران انقلاب اسلامی ایران و رخ‌نمایی مسائل متنوع اجتماعی و سیاسی، تفسیر آیات با این رویکرد نیز رونق بیش‌تری یافت. آیت‌الله خامنه‌ای در شمار اندک مفسرانی است که به لحاظ تجربه مسئولیت‌های حساس در دوره حاضر، در حوزه سیاست، علوم اجتماعی و حکمرانی صاحب نظر و برداشت‌های تفسیری هستند. از این رو می‌توان نگاه ایشان به حکمرانی قرآن را نه لزوماً ذیل واژه تازه مصطلح حکمرانی، بلکه در سایه روش خاص‌شان در برداشت قضایای سیاسی و اجتماعی از قرآن استخراج کرد. ایشان تأکید دارند که نباید با پیش‌داوری به سراغ قرآن رفت و نباید از قرآن به عنوان دلیل و استدلال برای آنچه از راه دیگری فهمیده‌ایم استفاده نمود؛ قرآن را به عنوان منبع و سرچشمه باید دید که انسان تشنه به آن پناه می‌برد و از [خود] قرآن باید بهره برد (خامنه‌ای، ۱۴۰۱، الف: ۲۴). ایشان دلیل انتخاب سوره‌های خاصی برای تفسیر را مدنی بودن و اختصاص آن‌ها به مسائل بعد از تشکیل حکومت اسلامی مانند مسأله منافقین و مسأله نفاق، مسأله عدالت اجتماعی و مانند آن بیان کرده‌اند (ر.ک: خامنه‌ای، ۱۴۰۱، ب: ۱۴). تفسیر سوره صف توسط ایشان در دوران ریاست جمهوری‌شان، طی چهار جلسه، از نوزدهم آذرماه تا بیست و چهارم دی‌ماه ۱۳۶۱ برگزار شده است و در آن جلسات تفسیری، بنا بر سطح مخاطبان که از پاسداران، اعضای دفتر ریاست جمهوری، طلاب و دانشجویان و... بوده‌اند، تفسیر با روش، سبک و نوع برداشت‌ها و استنادات ویژه‌ای به همراه مثال‌ها و نمونه‌های قابل فهم و به‌روز جامعه ارائه گشته است.

در پژوهش حاضر برای اینکه روش، رویکرد و گرایش ایشان در تفسیر آیات در راستای اصطیاد قوانین حکمرانی در مدیریت کلان جامعه و امت اسلامی بهتر نمایان شود، تفاسیر مهم اجتماعی معاصر دیگری نیز برگزیده و با مفاد تفسیری ایشان در تفسیر سوره صف مورد مقایسه قرار گرفتند. این تفاسیر عبارت‌اند از: «المیزان فی تفسیر القرآن» اثر علامه طباطبایی، «تفسیر نمونه» اثر آیت‌الله مکارم شیرازی، «التحریر و التنویر» اثر ابن عاشور، «تفسیر المراحی» اثر احمد بن مصطفی مراغی، «فی ظلال القرآن» اثر سید قطب، «من هدی القرآن» اثر آیت‌الله مدرسی، «من وحی القرآن» اثر علامه فضل‌الله. پژوهش حاضر در پی این پرسش اصلی است که: روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای

و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی قرآنی از سوره صف چگونه بررسی تطبیقی می‌شود؟

پژوهش حاضر با ماهیت توصیفی - تحلیلی، بنا بر هدف، بنیادی و از جهت ارائه مفاد حکمرانی، کاربردی می‌باشد و از نظر روش گردآوری، کتابخانه‌ای بوده و به شیوه فیش‌برداری انجام شده است.

۲. روش‌شناسی تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای در سوره صف

سیر مراحل تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای در سوره صف با ذکر نمونه، از این قرار است:

۲-۱. دسته‌بندی آیات

ایشان ابتدا آیات سوره را برای تفسیرشان دسته‌بندی و تفکیک می‌کنند.

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (۱) يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَعْلَمُونَ (۲) كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَعْلَمُونَ (۳) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُورٌ (۴) (صف، ۴-۱).

۲-۲. ترجمه و تفسیر مختصر

۲-۲-۱. ترجمه

«آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، به تسبیح خدا می‌پردازند و اوست ارجمند حکیم. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گوئید که انجام نمی‌دهید؟ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگوئید و انجام ندهید. در حقیقت، خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف، چنانکه گویی بنایی ریخته‌شده از سرب‌اند، جهاد می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۴).

۲-۲-۲. بیان شناسه اجمالی سوره

«این سوره شریفه‌ای که بعد از سوره ممتحنه و پیش از سوره جمعه قرار دارد، یکی از سوره‌هایی است که آیات آن بر گرد یک محور و یک مضمون دُور می‌زند...» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۴).

۲-۲-۳. بیان محور محتوایی و غرض آیات

«[سوره صف] یکی از سوره‌هایی است که آیات آن بر گرد یک محور و یک مضمون دُور می‌زند و آن مضمون عبارت است از تحریص بر جهاد فی سبیل‌الله و ملامت آن کسانی که به خاطر سختی‌ها، به خاطر خطرها و به خاطر علاقه‌مندی به زندگی، جهاد را ترک می‌کنند؛ از ابتدا تا پایان سوره، محور اصلی این است؛ اگرچه مطالب و حقایق بسیاری هم بر گرد این محور در این سوره وجود دارد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۴). ایشان در ادامه، به هدف آیات که تربیت مؤمنان است نیز اشاره

دارند: «بنای قرآن بر تربیت می‌باشد؛ بنای قرآن بر این نیست که به مؤمنان بگوید شما خوبید، این‌ها را مطلق کند و عیوب این‌ها را بپوشاند؛ و نباید [هم] این جور باشد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۷).

۲-۲-۴. توضیحات راه‌گشا؛ تشریح اجمالی شرایط زمانه سوره صف

«خوش‌بختانه در جامعه کنونی که من و شما در آن زندگی می‌کنیم، غالب افراد آن کسانی هستند که به جهاد شایق‌اند؛ یا خودشان می‌روند یا کسان‌شان را می‌فرستند یا لاقلاً برای آن‌ها که رفته‌اند تکبیر می‌گویند و آن‌ها را احترام می‌کنند. [البته] همیشه دوره‌ها این جور نیست و این جور نبوده؛ از جمله در زمان رسول اکرم — که صدر اول اسلام است — هنوز تربیت‌های جاهلی در ذهن مردم و در روح مردم، رسوخ زیادی داشته و هنوز برایشان خانه، زندگی، علقه‌های مادی، چند روز پیش‌تر ماندن و چند وعده پیش‌تر خوردن اهمیت داشته؛ نه برای همه، اما برای بسیاری‌شان؛ از این رو شما می‌بینید که توبیخ آن کسانی که به جهاد نمی‌روند، زیاد است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۵-۱۶).

۲-۲-۵. پیوند زدن میان آیات

ایشان ذیل آیه «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲) می‌گویند: «گفتن و انجام ندادن، بدتر از نگفتن و انجام ندادن است. یکی ادعا نمی‌کند و نمی‌گوید، انجام هم نمی‌دهد؛ این یک آدمی است که ضعف اراده دارد، ضعف نفس دارد، ضعف ایمان دارد. اما یکی ادعا می‌کند و دم از یک چیزی می‌زند، اما انجام نمی‌دهد؛ مسأله این [شخص]، مسأله ضعف اراده نیست، [بلکه] باید گفت یک شائبه‌ای از نفاق در وجود او هست؛ یک اشتباه در برآورد خود و نفس خود در او هست و این عیب و بیماری بزرگ‌تری است. «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲)؛ ببینید با چه زبان و با چه استفهام توبیخ آمیز و تیزی این مطلب را بیان می‌کند! «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۳)؛ بزرگ بغضی و دشمنی‌ای در نزد خدا است، اینکه بگوئید آنچه را انجام نمی‌دهید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۴).

۲-۲-۶. تحلیل لغوی

مفسر گران‌قدر ذیل واژه «الْحَكِيمُ» آورده‌اند: «حکیم یعنی آن موجودی یا آن کسی که کار او از روی حکمت است؛ یعنی محکم‌کاری شده است. همه این‌ها از یک ماده است؛ حکمت و محکم و حکیم و مانند این‌ها از یک ماده و از یک ریشه است. آن آدمی که حکیم است، یعنی همه کارش بر طبق یک میزان و روال درستی بناگذاری شده که خراب‌شدنی و نابودشدنی نیست. مفسران، حکیم را به این جمله معنا می‌کنند: «الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَ»؛ یعنی کسی که صنع او متقن است و اتقان‌کننده و درست و محکم‌کننده آفریده خود می‌باشد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۳).

۲.۲.۷. توجه به سبب نزول

«إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ» (صف، ۴). «در روایت داریم که این آیه شریفه اشاره می‌کند به جنگ بدر و این سوره مربوط به بعد از جنگ احد است؛ یعنی بعد از آنکه در جنگ احد یک ضعف نفسی از چند نفر از مسلمان‌ها ظاهر شد که [تنگه احد را برای جمع‌آوری غنائم رها کردند و این] موجب شد صف مسلمان‌ها شکست بخورد... در جنگ بدر، وقتی که سه نفر از کفار آمدند جلو و داوطلب جنگ و هم‌اورد جنگ خواستند و سه نفر از طرف لشکر اسلام رفتند، جنگ طول کشید؛ یعنی حریف‌ها بسیار گردن کلفت، قوی و شمشیرزن بودند، اگرچه این طرفی‌ها هم خیلی قوی بودند؛ یعنی جناب حمزه بود، حضرت امیر بود و یکی دیگر از مسلمان‌ها. در عین حال، آن‌ها هم به شدت مقاومت می‌کردند و سخت بود؛ همه ضربات را تحمل کردند، زخم‌ها را تحمل کردند، مقاومت نمودند، از مرگ نترسیدند، حریف را زمین انداختند، بعد مسلمان‌ها پیروز شدند؛ آن‌ها را خدا خوشش می‌آید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۰ و ۳۳-۳۴).

۲-۲-۸. رفع برخی متناقض‌نماها

گاه در برداشت صحیح از مراد آیه، چالش تناقض پدید می‌آید. برای مثال، ایشان دلیل توبیخ برای ترس از جهاد را این‌گونه تبیین می‌کند: «شروع سوره خطاب به آن کسانی است که اگرچه مؤمن‌اند و منافق نیستند - ایمان به خدا دارند - اما با اینکه اسم جهاد آمده، بارها بر زبان آن‌ها جاری شده، آن‌ها هم ایمان خودشان را اظهار کرده‌اند، هنگامی که وقت کار می‌رسد، سخت‌شان می‌آید؛ خطاب به آن‌ها و درباره آن‌هاست و این یک بیماری بزرگی می‌باشد که ما باید به آن توجه کنیم. آن بیماری این است که انسان در اظهار و در ادعا یک حرفی را بزند - دروغ هم نمی‌گوید، واقعاً اعتقاد دارد که این کار خوب است و اعتقاد دارد که این کار را خواهد کرد؛ با اعتقاد حرف می‌زند - اما چون یک ارزیابی درستی از کار نکرده و یک برآورد صحیحی انجام نداده یا از خودش یک برآورد صحیحی انجام نداده، هنگامی که انجام کار نزدیک شد، اگر با خطری توأم بود، عقب می‌کشد؛ این یک بیماری است: گفتن و نکردن» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۶). در ادامه می‌آورند: «وقتی که می‌گوئیم این سوره خطاب به مؤمنان است، آن هم با این لحن توبیخ‌آمیز، این برای مؤمنان بد نیست؛ زیرا بنای قرآن بر تربیت می‌باشد؛ بنای قرآن بر این نیست که به مؤمنان بگوید شما خوبید، این‌ها را مطلق کند و عیوب این‌ها را بپوشاند؛ و نباید [هم] این‌ها را جور باشد؛ رهبر یک جامعه باید مانند یک مربی و معلم، ضعف‌های مردم را به آن‌ها بیان نماید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۷).

۲-۹. شفاف‌سازی حقیقت مراد

ایشان ذیل آیه ابتدایی سوره که درباره تسبیح موجودات است به این نکته اشاره می‌کنند که: «نخست، آیه از يك ناحیه بسیار عمومی و عظیم شروع می‌کند؛ مانند سوره جمعه و سوره حشر. در همه این سوره‌هایی که نشانی از قدرت‌نمایی خدا یا از عملکرد قانون الهی در تاریخ هست و صحبتی از این‌ها می‌باشد، در ابتدای سوره، قدرت خدا و خضوع همه آفرینش در برابر خدا با تعبیر «سَبِّحْ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (صف، ۱) یا «يَسْبُحُ لِلَّهِ» (جمعه، ۱) ذکر می‌شود. ... بعضی خواسته‌اند بگویند که تسبیح موجودات، خود وجود آن‌ها است. ... ما می‌گوئیم نه این [طور] نیست؛ تسبیح، ورا و بیش از این است که با وجود خودش این را ثابت کند، زیرا در قرآن می‌گوید که: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يَسْبُحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» (اسراء، ۴۴)؛ ... شما تسبیح آن‌ها را نمی‌فهمید. ما این چیزی را که ناشی و معلول وجود موجودات است می‌فهمیم... آن همان نطق ویژه موجودات است که ما آن را واقعاً هم نمی‌فهمیم... این اعلام قدرت همگانی و همه‌گیر خدای متعال می‌باشد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۸-۲۱).

۲-۳. امتداد تفسیر آیات سوره صف

در این بخش دو محور اساسی مطرح نظر ایشان است. تدبیر و تطبیق. ایشان در تدبیر به‌طور عمده، مطالبی را متعاقب فهم آیات به‌منظور تعمیق و بسط مطالب بیان می‌کنند و در تطبیق، مفاد آیات را با شرایط زمانه مقایسه کرده، بر آن جاری می‌نمایند.

۲-۳-۱. تدبیر در آیات

به دو نمونه اشاره می‌شود:

۱. معظم‌له در امتداد تأمل در آیات ابتدایی سوره که در تحریر به جهاد و توبیخ ظفره رفتن از آن است، به این نقطه اساسی توجه می‌دهند که: «[این بیماری روی‌گردانی از عمل] مخصوص جهاد هم نیست؛ همه کارهای دیگر زندگی هم تکالیف مهمی که برای انسان رو می‌آورد، مشمول این مطلب می‌شود که انسان يك چیزی را خیال می‌کند که می‌تواند، دنبال آن است، حرفش را می‌زند و از آن دم می‌زند؛ اما هنگام عمل که شد، مشکلات به نظرش می‌آید، ضعف‌های خودش جلوی چشم او را می‌گیرد و نمی‌تواند آن کار را انجام دهد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۷).

۲. در جای دیگر در امتداد سخن از تسبیح و خضوع موجودات می‌آورد که: «وقتی می‌بینید که همه موجودات در مقابل پروردگار، خاضع هستند و همه هدف‌های الهی قابل‌تحقق و بلکه مسلم‌التحقق است، تشویق می‌شوید که در این راه، سرمایه‌گذاری کنید؛ این یکی از چیزهایی است

که انسان را به سرمایه‌گذاری در راه خدا و جهاد فی سبیل الله تشویق می‌کند؛ از این رو این سوره‌ها غالباً این آیه را در اول دارد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۱).

۲-۳-۲. تطبیق آیات

تطبیق را تاویل مصداقی آیات نیز می‌گویند. در حقیقت، تطبیق، عملی فراتفسیر است که طبق قواعد خاصی صورت می‌گیرد. در روایات به جاری کردن آیات بر مسائل و شرایط زمانه توجه شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «نزل القرآن بیاک اعنی و اسمعی یا جاره» (کلینی، ۱۴۲۹ق: ۴/۶۶۵)؛ قرآن با مرگ مخاطبان نمی‌میرد و پیامش خاموش نمی‌شود. آیات در هر موضوع و خطاب به هر کس که باشند، برای دیگران مملو از پیام و نکته‌اند و قرآن برای انتقال معارف بلند نازل گشته است. چند نمونه از توجه مفسر گران قدر به تطبیق در ادامه ذکر می‌گردد:

۱. «بنای قرآن بر این نیست که به مؤمنان بگوید شما خوبید، این‌ها را مطلق کند و عیوب این‌ها را بپوشاند؛ ... شما دیدید که وقتی حمله عظیم فتح‌المبین پیدا شد و این حرکت فداکارانه موفق برای نیروهای نظامی ما - یعنی ارتش و سپاه - پیش آمد و جوان‌های ما فداکاری کردند، امام که این همه نسبت به رزمندگان عزیز میدان جنگ عطف داشتند، آنجا گفتند که نبادا مغرور بشوید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۷-۱۸).

۲. «كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ (صف، ۳)؛» فرض بفرمایید که افرادی در جوامع مترقی و انقلابی و مانند این‌ها هستند که راجع به ضدیت و دشمنی با مثلاً امپریالیست‌ها، استکبار جهانی و کسانی که منافع خَلق‌ها را تهدید می‌کنند، دم از خیلی ادعاهای زدند و داد صحبت دادند؛ اما در عمل کشانده شدند، به همان کارهایی و به همان عیوبی که خود آن‌ها راجع به آن عیوب بحث‌های زیادی می‌کردند و تخطئه می‌نمودند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۵).

ملاحظه می‌شود که در روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای، به برکت اضافه شدن لایه‌های تدبر و تطبیق ذیل مراحل تفسیر، انواعی از قضایا و احکام اجتماعی و سیاسی چشم‌نوازی می‌کنند. در نمونه‌های ذکر شده، تعمیم نکوهش طفره از جهاد به سایر تکالیف و برداشت سرمایه‌گذاری در راه خدا از تسبیح خلایق از راه تدبر در آیات به دست آمد. سپس، امتداد تفسیر توسط تطبیق آیات بر جریانات و وقایع روز، چون تذکر امام در عمیات فتح‌المبین و... صورت گرفته است. این قبیل برداشت‌های اجتماعی و سیاسی در سایه بارگیری مدل سه‌لایه‌ای تفسیر، تدبر و تطبیق توسط ایشان رخ نموده‌اند.

۳. تمایزات و مشترکات روش تفسیری آیت‌الله خامنه‌ای و مفسران معاصر فریقین در

استنباط قواعد و احکام حکمرانی

آیت‌الله خامنه‌ای اعتقادشان این است که قواعدی توحیدی بر عالم و اجتماع حاکم می‌باشد که روابط اجتماعی میان انسان‌ها را سامان داده و ارزش می‌بخشند و در حکمرانی قرآن باید به دنبال تحقق و تداوم آن‌ها بود. از تفسیر معظم‌له ذیل سوره صف، نُه حکم مرتبط با حکمرانی استنباط شده است.

۳-۱. تربیت جامعه، یکی از وظایف رهبران

نخستین حکمی که توسط معظم‌له در تفسیر این سوره بدان توجه داده شده، لزوم تربیت جامعه و ارتقای سطح اندیشه مردم در درجات مختلف و مسائل گوناگون توسط رهبر الهی است. ایشان با تدبیر در آیه دوم و سوم، معتقدند بالا بردن سطح درک اجتماعی، ارتقای فرهنگ عمومی و هوشیارسازی مردم در مسائل دینی، سیاسی، فرهنگی و... مهم‌ترین وظیفه تمام حجت‌های خداوند و رهبران دینی می‌باشد؛ همان‌گونه که انبیا با آگاهی‌بخشی به مردم نسبت به توحید، خالقیت و ربوبیت خدا و هدف خلقت و سفر آخرت و غیر آن، مهم‌ترین کوشش خود را در جهت رشد و ارتقای عقل و اندیشه مردم مبذول می‌داشتند. در تبیین اهمیت ویژه این وظیفه می‌توان در جهت مخالف، به فریب‌کاری رهبران برخی جوامع بشری اشاره کرد که مردم جامعه‌شان را در سطح نازل از درک نگه داشته و با مانع‌تراشی برای آنان در جهت رشد و تعالی فکری، ایشان را از جست‌وجوی خارج از محدوده مجاز، منع می‌کنند (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۷). ایشان در شرح وظایف رهبر الهی علاوه بر تعلیم آموزه‌های لازم، به ارشاد مردم نسبت به نقاط ضعف آنان که می‌تواند مورد استفاده شیطان و ایادی او قرار بگیرد، توجه داده و این را از مراحل مقدمی رشد جامعه قلمداد کرده است: «مردم باید نگران نشوند از اینکه معلمان جامعه و رهبران جامعه عیب‌های آن‌ها را بگویند،... بلکه باید خوشحال شوند؛ زیرا لازمه راهبری مردم و اداره امور مردم این است که ضعف‌های مردم را دانه‌دانه به آن‌ها گوشزد بکنند و توجه بدهند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۱۷).

این نکته ایشان در هیچ‌یک از دیگر تفاسیر مورد مطالعه معاصر اجتماعی فریقین ذکر نشده و هیچ‌یک از آنان مخاطب خویش را به این نکته توجه نداده‌اند.

۳-۲. لزوم مبارزه مؤمنان با باطل

از نکات مرتبط با تنظیم رابطه مؤمن با خدا، خضوع و خشوع تمام هستی در برابر خداوند است که توسط معظم‌له با شیوه تدبیر، در قالب قضیه مهمی در نظام حکمرانی دیده شده است. ایشان با استفاده از موضوع تسبیح هستی، اشاره می‌فرمایند: «وقتی می‌بینید که همه موجودات در مقابل پروردگار، خاضع هستند و همه هدف‌های الهی قابل تحقق و بلکه مسلم‌التحقق است، تشویق

می‌شوید که در این راه، سرمایه‌گذاری کنید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۱). «اگر خدای متعال می‌گوید: «جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً»، این قانون است؛ ... وقتی این را در یک مقیاس و معیار کلی جهانی حساب کنید، یک واقعیت تخلف‌ناپذیر است. هر جا که حق برود باطل فرار خواهد کرد. بله، اگر حق نرود، اهل حق دنبال حق‌شان نباشند، حق‌شان را نبرند و یک جایی علم نکنند - چه حرف حق را، چه واقعیت حق را، چه نظام حق را - باطل ماندنی است و می‌ماند. ... [باطل] مانند گیاهی است که مال این آب‌وهوا نیست و با این آب‌وهوا ساخته نشده؛ خب می‌آورد اینجا و یک‌چند صباحی می‌ماند؛ اما بالاخره پژمرده شدنی و رفتنی است؛ اما حق این جور نیست. این یک قانون طبیعی است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۲). ایشان معتقدند شروع سوره با تسبیح خلاق به معنای ثابت و تغییرناپذیر بودن این قوانین می‌باشد: «این قوانین حتماً شدنی است؛ چرا؟ چون همه آنچه در زمین و آسمان حول و حوش وجود شما و دشمنان شما و دوستان شما هست، در مقابل خدای متعال خاضع است؛ بنابراین سوره با این آیه شروع می‌شود» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۲). این قضیه نیز تنها در تفسیر معظّم‌له مورد دقت و توجه قرار گرفته است و تفاسیر دیگر، به این نکته التفات پیدا نکرده‌اند.

۳-۳. ستایش مجاهدان به هم‌پیوسته در راه خدا

در آیه چهارم، خداوند مجاهدان مستحکم را که در کنار یکدیگر، با دشمنان پیکار می‌کنند، ستایش می‌نماید. نکته مهم، لزوم به هم پیوستن و اتحاد نیروهای راه خدا است که می‌تواند امت اسلامی را در جهاد در برابر دشمنان دین به پیروزی برساند. معظّم‌له با چنین نگاهی، یکی از قضایای حکمرانی را استنباط کرده‌اند: «صف مؤمنان، صف مبارزان، صف آن کسانی که دوش به دوش و بازو به بازو دارند پیش می‌روند، آنچنان صف محکمی است که ... هرگز ویران شدنی نیست؛ یعنی صف این‌ها به هم نمی‌خورد و خدا این‌ها را دوست می‌دارد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲۹-۳۰).

این مسأله، مورد توجه سایر مفسران معاصر از جمله آیت‌الله مدرسی و مراغی نیز قرار گرفته است. برای مثال، آیت‌الله مدرسی این آیه را تحریمی از سوی قرآن برای مؤمنان به جهت ایجاد اتحادی شکست‌ناپذیر دانسته (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۳۴۳/۱۵) و مراغی در تفسیر خود، اتحاد خلل‌ناپذیر لشکریان اسلام را عامل ازدیاد قوت معنوی سربازان و موجب رسوخ رعب و وحشت در اعماق وجود دشمنان خدا قلمداد کرده است (مراغی، بی تا: ۸۱/۲۸).

نکته مهم دیگر در آیه، استفاده دیگری است که برخی مفسران نامی معاصر داشته‌اند و با توسعه در مصادیق جهاد، این اتحاد دشمن‌شکن را در دیگر ابعاد زندگی اجتماعی امت اسلامی چون جهاد فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره نیز لازم دانسته‌اند. در این خصوص می‌توان به مفسرانی از جمله

آیت‌الله مکارم‌شیرازی و علامه فضل‌الله اشاره کرد. آیت‌الله مکارم‌شیرازی ذیل عنوان «ضرورت وحدت صفوف» فرموده‌اند: «از مهم‌ترین عوامل پیروزی در برابر دشمنان انسجام و به هم پیوستگی صفوف در میدان نبرد است، نه تنها در نبردهای نظامی که در نبرد سیاسی و اقتصادی نیز جز از طریق وحدت کاری ساخته نیست. در حقیقت، قرآن دشمنان را به سیلاب ویرانگری تشبیه می‌کند که تنها با سد فولادین، آن‌ها را می‌توان مهار کرد» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۵/۲۴). ایشان با تطبیق بر وضعیت فعلی جهان اسلام با اظهار تأسف بر تشمت مسلمانان در برابر رژیم جنایت‌کار اسرائیل، چنین می‌نگارد: «اگر خدا مجاهدانی را دوست دارد که همچون بنیان مرصوصند، پس این جمعیت‌های پراکنده را دشمن می‌دارد و هم‌اکنون آثار خشم خدا و غضب الهی را در این جامعه چند صدمیلیونی، با چشم خود می‌بینیم که یک نمونه آن تسلط گروه کوچک صهیونیست‌ها بر سرزمین‌های اسلامی است» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۶۶/۲۴). علامه فضل‌الله نیز بر لزوم اتحاد مسلمانان در پایه‌ریزی و بنای اجتماع اسلامی در برابر دشمنان تأکید کرده و این اتحاد را در مسائل اجتماعی، اقتصادی، روانی و فرهنگی لازم دانسته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۸۱/۲۲).

قضیه حکمرانی مذکور در مرحله ترجمه و تفسیر بوده و توسط سایر مفسران قابل برداشت بوده است و البته آیت‌الله مکارم‌شیرازی و علامه فضل‌الله توسعه مصداقی و آیت‌الله مکارم‌شیرازی تطبیق بر مصادیق روز را ضمیمه کرده‌اند.

۳-۴. انحطاط مؤمنان، پیامد بی‌اعتنایی به احکام الهی و لزوم جلوگیری از آن
 «وَ إِذْ قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ يَا قَوْمِ لِمَ تَقُولُونَ لِآيَاتِ اللَّهِ كُفْرًا وَلَئِن نُّزِّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَشْيَاءِ لَنَقُولَنَّ ذَلِكَ شَيْءٌ مِّن قِبَلِكُمْ إِن كُمْ تَعْلَمُونَ أَلَمْ يَجْعَلْ لَكُمْ آيَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» (سوره‌ی هود، ۵)

اساس شریعت برای سعادت دنیا و آخرت انسان است و هیچ حلال و حرامی بدون حکمت و مصلحت نیست؛ از این رو، اعتنا یا بی‌اعتنایی مؤمنان به قوانین الهی در جامعه، علاوه بر بُعد ثواب و عقوبت اخروی، دارای آثار وضعی در دنیا بوده و رعایت‌شان موجب قوام، رشد و تعالی جامعه یا در جهت عکس، عدم رعایت‌شان بسیار مخرب و موجب پسرفت جامعه ایمانی خواهد بود.

با لحاظ این مقدمه، یکی از قضایای مهم برداشت‌شده توسط معظم‌له در بحث حکمرانی اسلامی، هشدار به انحطاط جامعه ایمانی به‌عنوان مهم‌ترین پیامد خطرآفرین بی‌اعتنایی به احکام الهی است. ایشان معتقدند: «گاهی می‌شود یک عده مؤمن و معتقد به یک دین و یک پیغمبر، بر اثر غفلت و همین‌گونه بیماری‌هایی که به آن اشاره کردیم، از راه منحرف می‌گردند و دل‌های این‌ها که رو به طرف ایمان داشت، از دین برمی‌گردد و به صورت یک قوم ملعونی درمی‌آیند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۴). «بنی اسرائیل قوم عجیبی‌اند؛ این قوم یک آزمایشگاه عجیبی‌اند. در طول تاریخ، خدا

این قوم را به بهترین موهبت‌ها سرفراز کرد؛ از میان این‌ها انبیای بزرگ، از میان این‌ها حکام قدرتمند و از میان این‌ها انبیایی را که حاکم هم بودند - مانند جناب سلیمان - و تشکیل جامعه دینی و حکومت دینی را برگزیده و به این‌ها لطف نموده؛ تمام لطف‌های ممکن به یک قوم را خدا به قوم بنی‌اسرائیل کرده، اما این‌ها بر اثر بیماری‌های گوناگون اجتماعی، نعمت‌های الهی را از خودشان سلب نمودند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۴-۳۵). «[امروزه] بر اثر کوتاهی مسلمین، بی‌اعتنایی مسلمین به احکام الهی و پند نگرفتن آن‌ها از موعظه‌های الهی و قرآنی، نتیجه این شد که خود آن‌ها یک وضعی مانند بنی‌اسرائیل پیدا کردند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۶). مراد معظم‌له از این سرنوشت ذلت‌بار، ترس و خضوع برخی مسلمانان در برابر مستکبران جهان و غفلت از قدرت لایزال الهی با تسلیم‌شدن در برابر قدرت‌های پوشالی جهان سلطه است. «امروز ایرانی با اتکا و تمسک به اسلام، آن‌چنان بلند شده، آن‌چنان گردن خودش را بالا گرفته، آن‌چنان به خودش مطمئن و متکی شده که هیچ قدرتی در دنیا آن را نمی‌لرزاند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۷). «ما به چند حکم الهی عمل کردیم: ما به حکم جهاد عمل نمودیم، به حکم امر به معروف و نهی از منکر عمل کردیم، به حکم توکل - که یکی از احکام الهی توکل است - عمل نمودیم. یکی دیگر از احکام الهی «لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا» (نساء، ۱۴۱) است که کفار بر مسلمان‌ها سلطه‌ای نباید داشته باشند. ما به این چند حکم عمل کردیم، این عظمت برای این ملت به وجود آمد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۸). «اگر مراعات امر و نهی خدا را نکنیم و اگر تقوا را فراموش نماییم، ما هم برمی‌گردیم به همان شکلی که بنی‌اسرائیل یک روز برگشتند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۳۸).

این حکم نیز در دیگر تفاسیر نامبرده مورد دقت و التفات قرار نگرفته است.

۳-۵. ممنوعیت آزار رهبران الهی توسط مؤمنان

ذیل آیه پنجم، خداوند شکایت حضرت موسی (ع) از قومش را نقل کرده است. اغلب مفسران به بحث از این شکایت اکتفا نموده‌اند؛ اما برخی دیگر چون علامه طباطبایی، طی تأملی بیشتر، معتقدند خداوند این شکایت را نقل کرده تا مسلمانان پند بگیرند و از آزار و اذیت پیامبر اسلام (ص) دست بردارند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۰/۱۹-۲۵۱). مراغی نیز، با تأکید بر نکته مذکور، معتقد است خداوند نبی مکرم اسلام (ص) را با این آیه تسلی داده است (مراغی، بی تا: ۸۳/۲۸).

آیت‌الله خامنه‌ای با تدبر و استفاده کلان از آیه و الغای خصوصیت از حضرت موسی (ع)، نهی از ایدای حضرت موسی را دال بر نهی از ایدای عملی یا کلامی رهبران الهی دانسته‌اند. سپس ایشان آزار رهبران صالح را به منزله آزار رسول خدا (ص) شمرده‌اند. «حالا این آزار چیست؟ شاید بتوان به طور کلی و به صورت اجمالی گفت عملی انجام دادند یا قولی بر زبان جاری کردند که با ایمان‌شان

سازگار نیست. وقتی که به خدای متعال ایمان آوردند، این یک لوازمی دارد؛ لوازم عملی، لوازم ذهنی و لوازم در گفتار؛ اگر به این لوازم عمل نکردند، ایدای رسول‌الله کرده‌اند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۴۴). «مسأله، مسأله اذیت و آزار کفار و منافقان نیست، بلکه اذیت و آزار خود مؤمنان است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۴۵). نتیجه چنین عملی جز رخنه زیغ و انحراف در قلب فرد و محرومیت از هدایت نخواهد بود (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۴۸). «[در برخی از مردم] دشمن‌ها برای اینکه این‌ها هدایت نشوند و سخن حق در آن‌ها اثر نگذارد، آن‌ها را از شنیدن سخن حق ممنوع می‌کنند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۴۹). ملاحظه می‌شود که معظم‌له با عنایت به تدبیر و تطبیق به‌کار رفته ذیل تفسیر، به این قضیه مهم در بحث حکمرانی دست‌یافته و بر اهمیت آن در جامعه ایمانی تأکید ورزیدند.

۳-۶. پیروزی مؤمنان و تحقق اهداف‌شان

«يُرِيدُونَ لِيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِمْ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ (۸) هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ» (۹) (صف، ۹-۸)»
 معظم‌له ذیل آیات هشتم و نهم معتقدند که هرچند ممکن است در اثنای این مسیر، شیطنت دشمنان، پیشروی مؤمنان را با چالش‌هایی مواجه سازد؛ اما در پایان، موفقیت از آن کسانی است که با توکل بر خدا، در حمایت از دین و رسول خدا، کمر همت بسته و تمام توان را مبذول می‌دارند. ایشان به‌عنوان مقدمه، بیان کردند: «بنای عالم آفرینش و اعزاز پیغمبران الهی و فرستادن کتب و مطرح کردن ایمان در جوامع بشری این است که در نهایت هدف انبیا، در زمان خود و به‌هنگام، در عالم محقق می‌شود و خواهد شد ... و از این رو شما می‌بینید که در همه ادیان الهی یک آینده‌ای و یک دوران موعودی مورد انتظار است. در دین ما و آئین اسلام، آن دوران موعود، دوران آخرالزمان و دوران مهدی موعود (عج) می‌باشد ... بنابراین، تلاش منافقان، معاندان و معارضان با انبیا به نتیجه‌ای نخواهد رسید» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۵۶). ایشان در تبیین هدف اهل ایمان، با استناد به کریمه «ليُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» (صف، ۹)، می‌گویند: «این دین آمده است تا خدا آن را پیروز کند بر همه ادیان و بر همه آئین‌ها و مکتب‌ها» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۵۹). «ادیان یعنی نظام‌های اجتماعی و نظام‌های زندگی؛ هر یک نظام زندگی، یک دین است و دین یعنی آئین زندگی و روش زندگی. اسلام باید بر همه روش‌های زندگی غلبه کند. اصلاً اسلام برای این آمده؛ برای اعتقاد در قلب من و شما یا حداکثر زندگی یک جامعه را اداره کردن نیست» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۶۰).

البته باید دانست که رسیدن به هدف، همیشه آسان نبوده و همواره با موانعی روبه‌روست. شاید این پرسش به ذهن برسد که چرا گاهی مؤمنان در راه مقاومت شکست خورده و یا برخی برنامه‌هایشان به انجام نمی‌رسد؟ معظم‌له قصور و تقصیرهای مؤمنان را مشکل اصلی می‌دانند و چنین می‌فرمایند:

«ممکن است که بر اثر عدم تلاش از سوی مؤمنان و عدم تحقق شرایط لازم عقب بیفتند» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۵۶)؛ لکن رسیدن به هدف الزاماً مادی نیست و گاهی رساندن پیام خداوند به نسل‌های بعد حتی با شهادت نیز پیروزی محسوب می‌شود. ایشان در تبیین این حقیقت مرقوم می‌کنند: «این جور نیست که همیشه غلبه پیغمبران الهی، مؤمنین بالله، رجال معنوی و الهی، به غلبه شخص خودشان باشد؛ غلبه آن‌ها به غلبه دین آن‌ها باشد، به غلبه آرمان و اهداف آن‌ها است؛ برای همین است که ما در بحث نبوت می‌گوئیم و مدعی می‌شویم که همه پیغمبران پیروز شده‌اند. ... برای خاطر اینکه آن پیغمبر توانست آن باری را که به عهده او گذاشته شده بود، به قدر حیات خود و دوران زندگی خود و وسع و توان خود پیش ببرد و به نفر بعدی [برساند]» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۹۲).

مفسران مورد تحلیل، در شرح آیات، به عالم‌گیر شدن اسلام به اجمال اشاره کرده‌اند (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۶۶/۲۸، مراغی، بی‌تا: ۸۸/۲۸، قطب، ۱۴۲۵ق: ۳۵۵۸/۶). برخی نیز به اختصار برخی خیابان‌های دشمنان اسلام را نیز نام برده‌اند. برای نمونه، آیت‌الله مکارم‌شیرازی در شرح فقره «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ» (صف، ۸) می‌نویسند: «آن‌ها به کسی می‌مانند که می‌خواهند نور آفتاب عالم‌تاب را با بُف کردن خاموش سازند، آن‌ها خفاشانی هستند که گمان می‌کنند اگر چشم از آفتاب فرو پوشند و خود را در پرده‌های ظلمت شب فرو برند، می‌توانند به مقابله با این چشمه نور برخیزند. تاریخ اسلام سند زنده‌ای است بر تحقق عینی این پیش‌گویی بزرگ قرآن؛ چرا که از نخستین روز ظهور اسلام توطئه‌های گوناگون برای نابودی آن چیده شد: گاه از طریق سخره و ایذا و آزار دشمنان، گاه از طریق محاصره اقتصادی و اجتماعی، گاه از طریق تحمیل جنگ‌های گوناگون در میدان‌های احد، احزاب، حنین و...، گاه از طریق توطئه‌های داخلی منافقان، گاه از طریق ایجاد اختلاف در میان صفوف مسلمین، گاه از طریق جنگ‌های صلیبی، گاه از طریق اشغال سرزمین قدس و قبله نخست مسلمین، گاه از طریق تقسیم کشور بزرگ اسلامی به بیش از چهل کشور! گاه از طریق برنامه تغییر خط و بریدن جوانان اسلام از فرهنگ کهن خویش، گاه از طریق نشر فحشا و وسائل فساد اخلاق و انحراف عقیده در میان قشرهای جوان، گاه از طریق استعمار نظامی، سیاسی و اقتصادی و گاه از روش‌های دیگر... ولی همان‌گونه که خداوند اراده کرده بود، این نور الهی روزه‌روز در حال گسترش است و دامنه اسلام هر روز وسیع‌تر می‌شود، و آمارها نشان می‌دهد که جمعیت مسلمانان جهان با وجود تلاش‌های مشترک صهیونیست‌ها، صلیبی‌ها و ماتریالیست‌های شرق روبه‌افزایش می‌باشد» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۸۲/۲۴-۸۳).

ملاحظه می‌شود که آیت‌الله خامنه‌ای بنا بر نگاه تدبیری به نکاتی فراتر اشاره می‌کنند. ایشان پیروزی مجاهدان دین از جمله سایر انبیای الهی را جاری در همین فرایند تلاششان دانسته و به پیروزی آتی، مادی و ظاهری موکول ندانسته‌اند. ایشان پیروزی را برای مؤمنانی که تمام توانشان را مبذول بدارند قطعی دانسته‌اند و بنای عالم آفرینش و اعزام رسل و ارسال کتب را تحقق قطعی هدف انبیا، در زمان خود در عالم دانسته‌اند. نگاه دیگر مفسران بیش‌تر به زنده ماندن اسلام با وجود همه دشمنی‌ها و پیروزی نهایی اسلام در عالم معطوف گشته است.

۳-۷. ضرورت پذیرش درونی جهاد و عمل به آن از سوی مؤمنان

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ تِجَارَةٍ تُجْبِيكُمْ مِنْ عَذَابِ أَلِيمٍ (۱۰) تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (۱۱) يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتِ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (۱۲) وَأُخْرَىٰ تُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (۱۳) (صف، ۱۳-۱۰).^۳

وظیفه دیگری که در نقاط حساس تاریخ اسلام، بسیار خودنمایی کرده و موجب بلند شدن آوازه قهرمانان تاریخ اسلام بوده، متابعت از امر به جهاد توسط مؤمنان واقعی است. آیت‌الله خامنه‌ای با توسعه این امر الهی، معتقدند از تدبیر در آیه، در عرصه حکمرانی جامعه دینی نکته مهم پذیرش قلبی و عملی حکم جهاد قابل استفاده می‌باشد. ایشان در بدو توضیحات این حکم ابتدا به بدعهدی و رفتار دوگانه برخی مردم در جامعه ایمانی توجه داده است: «بعضی هستند که خدا را قبول دارند مادامی که انسان را به جهاد دعوت نکرده، پیغمبر را می‌پذیرند مادامی که انسان را به میدان جهاد سوق نداده؛ تا آنجایی که هیچ زحمتی، هیچ دردسری، هیچ بی‌خوابی‌ای، هیچ کم‌خوراکی‌ای، هیچ دوری از اهل و فرزندی وجود ندارد. اینجا خدا را قبول دارند، خدا را باور دارند، پیغمبر را هم همین‌جور؛ اما آنجایی که پای دردسر به میان می‌آید، آن وقت نه خدا را بنده‌اند و نه پیغمبر را امت و پیرو» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۷۰-۷۱). ایشان با تطبیق بر وضعیت ملت‌های مسلمان منطقه به این اشتباه راهبردی اشاره می‌نمایند: «بعضی از ملت‌های مسلمان می‌گویند پیروزی را در سینی نقره کنند و با احترام تمام برای ما هدیه بیاورند ... شما ببینید تمام این ملت‌هایی که بر استکبار جهانی یا به‌نحوی بر استبداد یا استعمار پیروز شدند، با تلاش پیروز گشتند؛ چه کشورهای مسلمان در منطقه آفریقا و خاورمیانه و این قبیل مناطق و چه کشورهای غیرمسلمان. با مبارزه، یک ملت می‌تواند پیروز شود» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۷۲).

برخی مفسران همچون علامه طباطبایی این آیات را به منزله فراخوان مؤمنان به ایمان به خدا، رسول و جهاد در راه خدا دانسته و استفهام در اثنای آیه دهم را به منزله امر به ایمان و جهاد قلمداد کرده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۸/۱۹). ایشان معنای آیه را لزوم تجارت جان و مال مؤمنان به قصد نصرت خدا و دین دانسته و اشاره می‌کنند که مؤمنان باید با ایمان و جهاد در راه پروردگارشان، او را یاری کرده و بر نصرت وی ثبات قدم داشته باشند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۵۰-۲۶۰). آیت‌الله مدرسی نیز طریق نجات را در ایمان به خدا، تسلیم نسبت به رهبری الهی و جهاد با مال و جان در راه خدا دانسته است (مدرسی، ۱۴۱۹ق: ۳۵۵-۳۵۶). گفتنی است باقی مفسران نیز با اشاره کلی به مفاد ظاهری آیه، صرفاً آیه را معنا کرده و به شرح منطوق آیات اکتفا نموده‌اند و از آیه به قضایای راهبردی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی التفات پیدا نکرده‌اند. برای مثال برخی مراد از فتح قریب را، فتح مکه دانستند (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق: ۱۹۵/۲۲، ابن عاشور، بی تا: ۱۷۵/۲۸). البته آیت‌الله مکارم‌شیرازی مصداق فتح قریب را شامل همه زمان‌ها و به نفع مؤمنان دانسته است: «از آنجا که مخاطب تنها اصحاب و یاران پیامبر (ص) نیستند؛ بلکه همه مؤمنان در طول تاریخ مخاطب این خطاب هستند، جمله «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف، ۱۳) معنای وسیع و گسترده‌ای دارد و بشارتی است به همه آن‌ها هر چند در عصر پیامبر (ص) و به‌هنگام نزول این آیات مصداق روشن آن فتح مکه بود» (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۹۱/۲۴).

بنابراین بعد از مرحله توجه منطوقی به آیه توسط سایر مفسران و برداشت تکلیفی از آیه برای حکم جهاد و ضرورت پذیرش عملی آن از سوی مؤمنان توسط برخی مفسران دیگر، تدبیر در آیه و توسعه آن و توجه به پذیرش درونی جهاد نیز توسط برخی مفسران نامی دیگر مورد توجه قرار گرفته و به نحوی مورد اشاره قرار گرفت؛ اما تدبیر خوب و تطبیق بر شرایط زمانه و التفات به مسأله‌ای راهبردی در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی در بیان آیت‌الله خامنه‌ای مورد تأکید واقع شده است.

۳-۸. نصرت و مجاهدت در راه خدا، وظیفه همه پیروان انبیا

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّتْ طَائِفَةٌ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ كَفَرَتْ طَائِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ» (صف، ۱۴)^۴

معظم‌له با تدبیر در آیه پایانی سوره، از سؤال حضرت عیسی (ع) و اعلام آمادگی حواریون الغای خصوصیت کرده و معتقدند مخاطب این امر (در قالب استفهام)، تمام مؤمنان جهان به پهنای تاریخ انسان و ادیان است. ایشان این قانون مهم را در دو بیان بدین شکل آورده‌اند: «در سراسر تاریخ، یک قانون در این باب حکم فرما می‌باشد و همیشه سخن خدا با مؤمنان یکی است ... و آن سخن، پیروی

از حق و تلاش برای غلبه دادن حق بر باطل است» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۸۲). «باید پیروان عیسی، پیروان پیغمبر خاتم، پیروان بقیه پیغمبران و همه مؤمنان در همه ادوار تاریخ، خدا را یاری کنند، دین خدا را یاری نمایند و بدانند که اگر دین خدا را یاری نمودند، خدا آن‌ها را بر دشمنانشان پیروز خواهد کرد» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۲-۸۳).

علامه طباطبایی با مخاطب‌انگاری مسلمانان، کریمه را دال بر فرمان خداوند مبنی بر لزوم جهاد در راه خدا و یاری رسولش دانسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۶۰/۱۹). آیت‌الله مکارم‌شیرازی و ابن‌عاشور نیز معتقدند حکایت یار و یاور عیسی روح‌الله بودن، در واقع درسی برای مسلمانان بوده که شما نیز حواریون محمد (ص) هستید و به این افتخار مفتخرید که یاوران الله هستید (مکارم‌شیرازی، ۱۳۷۴: ۹۵/۲۴، ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۷۹/۲۸). ابن‌عاشور مصداق نصر در آیه را غیر از جهاد دانسته و آن را انتشار دین و پایمردی در اخذ آن بدون ترس از آزار دشمنان دانسته است (ابن‌عاشور، بی‌تا: ۱۷۸/۲۸). علامه فضل‌الله نکته اصلی آیه را دعوت قرآن از مؤمنان به قرآن، به یاری رسول اکرم (ص) در همه ساحات اجتماع دانسته است (فضل‌الله، ۱۴۱۹: ۱۹۷/۲۲).

از این رو مشاهده می‌شود که تدبیر خاص آیت‌الله خامنه‌ای به تعمیق و بسط آیه منجر گشته است و خطاب را به مسلمانان منحصر نکرده است. لزوم مجاهدت در راه خدا و نصرت حق و اهل حق در مقابل ظلم، باطل و فساد و هر آنچه که با وجدان انسانی بلکه نگاه توحیدی همه پیروان انبیا در تضاد می‌کند، امری است که سامان‌بخش حکمرانی اجتماعی و سیاسی می‌تواند باشد.

۳-۹. سختی نصرت خدا و دین خدا

معظم‌له بیان می‌دارند که اگر یاری دین الهی با توجه به شیطنت شیاطین و طواغیت زمان دشوار نبود، حضرت عیسی (ع) استنصار و طلب یاری نمی‌کردند. ایشان تشریح می‌فرمایند: «انسان وقتی در خط نصرت خدا راه افتاد، تمام قدرت‌های ضد خدایی علیه انسان بسیج می‌شوند؛ ... آن زمان‌ها که طاغوت در این کشور بود، اگر کسی اسم اسلام را می‌آورد؛ اما نمی‌خواست خدا را نصرت کند ... کسی به کار او کاری نداشت ... مکه می‌رفت، کربلا می‌رفت، راحت در جامعه زندگی می‌کرد ... اما ... آن کسی که می‌خواست با مخالفان دین خدا درگیر بشود تا آن‌ها را از سر راه بردارد، تا دین خدا حاکمیت پیدا کند، همه در دسر‌ها را داشت» (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۸۵-۸۶). ایشان با استفاده از آیه، این گزاره خبری را انشائی معنا کردند و معتقدند: «در دوران اختناق حاکم رومی و اسرائیلی، یاران عیسی (ع) توانستند در مقابل آن دنیای ظلم، تاریکی، فساد، کفر و طغیان، از دین خدا دفاع کنند و با عیسی (ع) همراه شوند و او را یاری نمایند. این کار دشوار را آن‌ها انجام دادند؛ یعنی شما هم انجام دهید (خامنه‌ای، ۱۴۰۲: ۸۶).

ابن عاشور در شرح آیه، با تکیه چندباره بر یاور بودن حواریون به‌عنوان عده اندک (۱۲ نفر) برای حضرت عیسی (ع) معتقد است نصرت دین خدا در آنان انحصار یافته بود. وی منطبق بر آیه، با تقسیم بنی اسرائیل به دو طایفه اکثریت کافر و اقلیت مؤمن، این نکته مهم را، تعریض الهی به کفر باقی بنی اسرائیل می‌داند و مصداق نصرت حواریون را دعوت دیگران به شریعت الهی و صبر بر آزار دیگران قلمداد کرده است (ابن عاشور، بی‌تا: ۱۸۱/۲۸).

ملاحظه می‌شود که ایشان بیش‌تر و پیش‌تر از سایر مفسران به تدبر در ابعاد آیات اهتمام ورزیده‌اند و از این‌رو توانسته‌اند مؤمنان و مشتاقان عرصه حکمرانی قرآنی را به ابعاد مهمی از حکمرانی توجه دهند.

۴. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در پژوهش حاضر نمایان‌گشت که آیت‌الله خامنه‌ای در منهج تفسیری خود، برای کشف مراد الهی از آیات و امتداد آن سه مرحله اساسی را طی می‌کند: تفسیر، تدبر و تطبیق. مفسران در غالب قضایای برآمده از جنس ظهور الفاظ کم‌وبیش با ایشان همراهی کرده‌اند؛ اما در قضایا و احکام ثمره تدبر و تطبیق، تعداد بسیار اندکی مشارکت داشته‌اند و در مواردی تقریباً هیچ التفاتی از سوی آنان مشاهده نشد.

به‌طور خلاصه، به این موارد به‌عنوان نوآوری ایشان در روش و محتوا می‌توان اشاره کرد:

۱. اهتمام ویژه به امتداد تفسیر به سمت دو افزونه بسیار کلیدی و کاربردی تدبر و تطبیق.
۲. اهتمام به تفسیر اجتماعی و سیاسی، به‌ویژه مسائل حکمرانی، بیش‌تر از غور سایر مفسران برجسته اجتماعی معاصر فریقین.
۳. درنهایت، استنباط قواعد و احکام حکمرانی متعددی که از سوره به‌دست آمده است. جدول زیر، به‌طور خلاصه میزان ورود و تظنن سایر مفسران را نیز ارائه کرده است:

جدول شماره ۱:

۳	قواعد و احکام حکمرانی سوره صف برخاسته از تفسیر آیت‌الله خامنه‌ای	آیات	سطح دریافت؛ ترجمه و تفسیر، تدبر، تطبیق تمایزات و مشترکات مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی
---	--	------	---

۱	تربیت جامعه، یکی از وظایف رهبران	۳-۲	تدبر	• منحصر به فردی برداشت معظم له
۲	لزوم مبارزه مؤمنان با باطل	۱	تدبر	• منحصر به فردی برداشت معظم له
۳	ستایش مجاهدان به هم پیوسته در راه خدا	۴	ترجمه و تفسیر	• مورد توجه و تأکید سایر مفسران • توسعه مصادیق جهاد به سایر عرصه‌های نبرد با دشمنان؛ جهاد اقتصادی و...، توسط برخی مفسران: آیت‌الله مکارم شیرازی و علامه فضل‌الله • تطبیق بر مصادیق روز توسط آیت‌الله مکارم شیرازی
۴	انحطاط مؤمنان، پیامد بی‌اعتنایی به احکام الهی و لزوم جلوگیری از آن	۵	تدبر و تطبیق	• منحصر به فردی برداشت معظم له
۵	ممنوعیت آزار رهبران الهی توسط مؤمنان	۵	تدبر	• تدبر ویژه آیت‌الله خامنه‌ای و تعمیم آیه به سایر رهبران جوامع اسلامی • اکتفای برخی مفسران چون علامه طباطبایی و مراغی به بهره‌برداری از آیه تا شمول مصداقی پیامبر اکرم (ص)
۶	پیروزی مؤمنان و تحقق اهدافشان	۹-۸	تدبر	• منحصر به فردی برداشت معظم له • تشریح و تطبیق مناسب برای برخی زوایای مرتبط توسط آیت‌الله مکارم شیرازی

<ul style="list-style-type: none"> • توجه منطوقی برخی مفسران • التفات تدبری مشترک معظم‌له و برخی مفسران برجسته در کنار برجستگی تدبری آیت‌الله خامنه‌ای • تطبیق توسط آیت‌الله خامنه‌ای 	تدبر و تطبیق	۱۰- ۱۳	ضرورت پذیرش درونی جهاد و عمل به آن از سوی مؤمنان	۷
<ul style="list-style-type: none"> • منحصر به فردی برداشت معظم‌له در توسعه خطاب از مسلمانان به همه پیروان ادیان و مؤمنان در سرتاسر تاریخ و اکتفای سایرین به مخاطب دانستن مسلمانان در آیه • تدبر و توسعه مفهوم نصر توسط معظم‌له و برخی مفسران؛ تأکید ابن عاشور بر مفهوم یاری در انتشار دین و پایمردی در اخذ آن؛ نگاه خوب علامه فضل‌الله به توسعه یاری برای همه ساحات اجتماع 	تدبر	۱۴	نصرت و مجاهدت در راه خدا، وظیفه همه پیروان انبیا	۸
<ul style="list-style-type: none"> • التفات تدبری ویژه معظم‌له • اشارات کوتاهی از ابن‌عاشور. 	تدبر	۱۴	سختی نصرت خدا و دین خدا	۹

پی‌نوشت‌ها:

۱. و موسی به قوم خود گفت: ای قوم من، چرا مرا می‌آزاید، حال آنکه می‌دانید که من پیامبر خدا بر شما هستم؟ چون از حق رویگردان شدند خدا نیز دل‌هاشان را از حق بگردانید و خدا مردم نافرمان را هدایت نمی‌کند. (۵).
۲. می‌خواهند نور خدا را با دهان‌هایشان خاموش کنند؛ ولی خدا کامل‌کننده نور خویش است، اگر چه کافران را ناخوش آید. (۸) اوست آن خدایی که پیامبر خود را همراه با هدایت و دین راستین بفرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند، هر چند مشرکان را ناخوش آید. (۹)
۳. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتی که از عذاب دردآور رهایی‌تان دهد راه بنمایم؟ (۱۰) به خدا و پیامبرش ایمان بیاورید، و در راه خدا با مال و جان خویش جهاد کنید. و این برای شما بهتر است، اگر دانا باشید. (۱۱) گناهان شما را می‌آمرزد و به بهشت‌هایی که درونش نهرها جاری است و نیز خانه‌هایی خوش و پاکیزه در بهشت‌های جاوید داخل می‌کند و این پیروزی بزرگی است. (۱۲) و نعمتی دیگر که دوستش دارید: نُصرتی است از جانب خداوند و فتحی نزدیک و مؤمنان را بشارت ده. (۱۳)
۴. ای کسانی که ایمان آورده‌اید، یاوران خدا باشید، همچنان‌که عیسی بن مریم به حواریان گفت: چه کسانی یاوران من در راه خدایند؟ حواریان گفتند: ما یاوران خدا هستیم. پس گروهی از بنی‌اسرائیل ایمان آوردند و گروهی کافر شدند. ما کسانی را که ایمان آورده بودند بر ضد دشمنان‌شان یاری کردیم تا پیروز شدند. (۱۴)

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن عاشور، محمد بن طاهر (بی تا). التحرير والتنوير. بی جا: بی نا.
۳. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۹۴). شناخت نامه تنزیلی سوره های قرآن کریم. قم: تمهید.
۴. بهجت پور، عبدالکریم (۱۳۸۹). همگام با وحی تفسیر تنزیلی (ویراست دوم). قم: تمهید.
۵. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۱ - الف). تفسیر سوره حمد. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۶. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۱ - ب). تفسیر سوره مجادله. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۷. خامنه ای، سیدعلی (۱۴۰۲). تفسیر سوره صف. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۹. عارفی، احسان (۱۴۰۲). بررسی تطبیقی روش تفسیری حضرت آیت الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی) و مفسران معاصر فریقین در استنباط قواعد و احکام حکمرانی قرآنی از سوره مجادله. فصلنامه علمی پژوهش‌نامه فقه و علوم اسلامی، شماره ششم، صص ۸۵-۱۰۶.
۱۰. فضل الله، سید محمدحسین (۱۴۱۹ق). من وحی القرآن. بیروت: دارالملاک.
۱۱. قطب، سید (۱۴۲۵ق). فی ظلال القرآن. بیروت: دار الشروق.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۲۹ق). الکافی (ط - دارالحدیث). قم: دار الحدیث.
۱۳. مدرسی، سید محمدتقی (۱۴۱۹ق). من هدی القرآن. تهران: دار محیی الحسین.
۱۴. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا). تفسیر المراغی. بیروت: دارالفکر.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۱۶. موسوی خمینی، سید روح الله (بی تا). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).